

شتر

آبادسازی و کاشت نهال با هدف مقابله با بیابان‌زایی و افزایش تولید علوفه و سطح سبز در مراتع استان گلستان، عکس: رحله حماری، ایرنا



اعتراض

مردم و جوانان برمه علامت سه‌انگشتی را برای اعتراض خود علیه کودتا برگزیده‌اند اما آنان در برابر ژنرال‌هایی که در مدتی کوتاه بیش از ۲۳ هزار نفر را دستگیر کرده‌اند، از روش‌های هوشمندانه‌ای استفاده می‌کنند. به همین خاطر است که خیابان‌های پایتخت میانمار مملو از جوانان خلاقی است که هرکدام به شکلی متفاوت آمده‌اند و با وسیله‌ای که می‌توانند اعتراض خود را بیان می‌کنند. این‌بار جوانان خلاق در میانمار نافرمانی مدنی حیرت‌انگیزی را آغاز کردند و از جوانان هنگ‌کنگی الهام گرفته‌اند و در تدارک‌اند جنبشی سراسری در کشور خود علیه کودتای ژنرال‌ها برپا کنند. در تظاهرات ضدکودتا که با حضور ده‌ها هزار نفر برپا شده است، هنرمندان شهری، دهقانان، نقاشان، نویسندگان، مردان ماجو، طراحان، نویسندگان، و دخترانی با لباس عروس، جوانانی با لباس‌های سورپرفرمانان جهان، مردان و زنان کوهنورد، حتی استخر پلاستیکی و شنا حضور دارند و همه با علامت مشخص یعنی سه‌انگشت در پی سرزنش و اعتراض علیه ژنرال‌هایی هستند که قدرت سیاسی کشور را به دست گرفته‌اند. گروهی از منتقدان و معترضان در این نافرمانی مدنی به سراغ شوخ‌طبعی رفته‌اند و از میهمانی شیری جایی هنگ‌کنگی‌ها الهام گرفته‌اند. خبرنگاران در میان جمعیت معترض مردان بدون پیراهن، هنرمندان با موهای عجیب، مردانی با لباس بتمن، یک گروه ماسک‌دار و دختران لباس‌عروس‌پوش را مشاهده کرده‌اند حتی در پلاکاردی نوشته شده است: «این وضعیت بسیار بد است، حتی افراد درون‌گرا نیز اینجا هستند.» در پلاکاردهای دیگری نوشته شده «سابقه من بد است اما ارتش میانمار از وضعیت بدتری برخوردار است.» معترضین روی لوله‌های پلاستیکی علیه کودتا شعار نوشته‌اند. کوهنوردان برای اعتراض در جادرها می‌نشینند. سگ‌ها و دایناسورها به اعتراضات پیوستند حتی ارواح هم به این تظاهرات‌ها پیوسته‌اند. یکی از بدنسازان به خبرگزاری آن‌تی گفته است ما طرفدار حزبی نیستیم اما این انتقال اجباری قدرت را نمی‌پذیریم. یکی از جوانان می‌گوید ما هوشمندانه اعتراض می‌کنیم. او گفت که نسل از پاهوش است و برای جلب توجه بین‌المللی در تلاش است تا اعتراض‌های خلاقانه‌ای انجام دهد. بسیاری از هنرمندان در شهرهای بزرگ و کوچک در اعتراض به کودتا به خیابان‌ها ریختند و دیوارهایی را به‌صورت تصادفی نقاشی کردند. مردم که قرار است با هر وسیله‌ای از زدن قابلمه تا بوق اعتراض خود را نشان دهند و عده‌ای از جوانان راه موسیقی را در پیش گرفته‌اند؛ از طریق شبکه‌های اجتماعی فراخوان داده شد و بسیاری کیتار به دست به خیابان آمدند و موسیقی نواختند.



زیر آسمان جهان

ماسک علیه دی‌اکسید کربن

ایلان ماسک با ثروت ۲۰۰میلیاردی بالاتر از همه افراد بشر قرار دارد. او بنیان‌گذار بی‌پال، تسلا، مدافع بیت‌کوین و یکی از پیشگامان استفاده از فناوری‌های نوین است. ماسک با سرمایه‌گذاری برای پسر ۹ ماهه‌اش اریز بیش‌کوین را به ۴۹ هزار دلار رساند و بیش از یک چهارم ماهواره‌های فعال دنیا را کنترل می‌کند و حتی پیشنهاد می‌دهد تنها راه‌حل مشکل ترافیک فلوریدا، تونل زیرزمینی است و حالا می‌خواهد در چهار سال و با برگزاری مسابقه‌ای صمدیلون‌دلاری راهی برای ازبین‌بردن دی‌اکسیدکربن از اتمسفر زمین، پیدا کند و البته هدف نهایی آن دستیابی به «سطح منفی کربن» خواهد بود. او به‌عنوان یک سرمایه‌گذار با قدرت بالای پول و تخیل به دنبال اجرایی کردن فناوری‌های آینده‌نگرانه است. حالا شرکت تسلا به‌عنوان شرکت پیشرو تولید خودروهای برقی امیدوار است با این جایزه تشویقی، راهی برای مقابله با بزرگ‌ترین تهدید بشر پیدا شود. درباره دلایل شکل‌گیری این جایزه آمده است: «ما نیاز به ابداع فناوری‌هایی جسورانه داریم. ما همچنین به افزایش اقداماتی نیاز داریم که فراتر از محدودکردن میزان انتشار دی‌اکسیدکربن رفته و درواقع دی‌اکسیدکربن موجود در هوا و اقیانوس‌ها را بزایند. حالا به دنبال راه‌حل‌هایی هستیم که بتواند این گاز را برای همیشه مجبوس کند؛ البته به نحوی که به محیط زیست آسیب نرساند.»

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۹۹ • ۱ رجب ۱۴۴۲ = ۱۳ فوریه ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۳۹۳۹ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۹ • اذان مغرب ۱۸:۰۳

اذان صبح فردا ۵:۲۸ • طلوع آفتاب ۶:۵۲

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا

نور نوشت 

اعتراض

روزنامه‌نخوان‌ها علیه روزنامه‌ها



پژمان موسوی

انتقاد به روزنامه‌ها، البته کم نیستند. هم می‌توان و باید که به «فرم» روزنامه‌ها انتقاد داشت، هم به «محتوا»یشان. هم به رویکردها و هم به جهت‌گیری‌هایشان. هم به همگام‌نشدن‌شان با جهان نوین رسانه‌ای و هم به درازدن و ایستایی‌شان. اینها همه به‌جای خود اما حساب این انتقادات با کلی‌گویی‌ها و جملات تکراری عده‌ای «روزنامه‌نخوان» علیه روزنامه‌ها، البته که جداسـت. آنهایی که نه روزنامه‌می‌خوانند نه مجله و نه حتی کتاب آن‌وقت هر روز و هر شب، با صدای بلند از پایان عمر روزنامه‌ها سخن می‌گویند و مثل منتقدی کارکشته، از محتوا و کارکرد روزنامه‌ها شکوه سر می‌دهند.

تعدادشان هم البته کم نیست، کافی است هرروز جمع‌هایی که هستیم یا شبکه‌ها و کانال‌هایی که می‌خوانیم را رصد کنیم و آخر شب تعداد این دیالوگ آشنا را جمع بزنیم که بادی در غیـب انداخته می‌گوید: «روزنامه‌ها که چیزی ندارند، برای چی روزنامه بخونیم؟» تو گویی اینها هرروز تمام صفحات روزنامه‌های معتبر را تورق کرده، محتوای آنها را بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای کرده و با یک جمع‌بندی تحلیلی و آماری به این نتیجه‌گیری رسیده‌اند. البته که گفتم و نوشتم که انتقادات زیادی به ساختار و فرم و محتوای روزنامه‌ها وارد است که باید خیلی جدی به آنها هم پرداخت اما موضوع این است که اتفاقا در این ماجرا نه صدای منتقدان اصیل، که صدای آنهایی بلند است که نخوانده و بررسی نکرده، همه‌روزه در مذمت روزنامه‌خوانی و علیه روزنامه‌ها می‌گویند و می‌نویسند؛ بی‌آنکه به عواقب کار خود بیندیشند.

منتقد واقعی، اهمیت، نقش و کارکرد روزنامه را می‌فهمد و بر اساس این درک است که نقد خود را به فرم و محتوای روزنامه‌ها وارد می‌کند و این «تومنی‌ضنار» به وجود می‌آید که هرروز طوطی‌وار می‌پندارد: روزنامه‌ها چیزی برای عرضه ندارند، متفاوت است. منتقد واقعی می‌داند که روزنامه مستقل است که در کنار نهادهای مدنی، می‌تواند جلوی غول فساد بایستد و شفافیت به ارمغان بیاورد. منتقد واقعی می‌داند که مطبوعات رکن چهارم دموکراسی هستند و اگر به دلیلی، روزنامه‌ها اکنون در وضعیتی اسف‌بار از منظر اقبال مخاطب قرار دارند، باید ضمن تاکید بر نقش و جایگاهشان، دستشان را گرفت و اجازه بی‌اعتباری‌شان را نداد. منتقد واقعی می‌داند که هنوز که هنوز است و با وجود فعالیت‌های گسترده فعالان مجازی در شبکه‌های اجتماعی، این رسانه‌های رسمی و از جمله روزنامه‌ها هستند که برای خیلی‌ها مصداق «اعتبار منبع» هستند و مردم هنوز آنها را مرجع خبری و تحلیلی خود می‌دانند.

برخلاف این منتقدان واقعی، آنها که هرروز در شیپور مرگ روزنامه‌ها می‌دمند و از بی‌محتوایی آنها سخن می‌گویند، نه روزنامه‌ها را می‌خوانند، نه صفحات داخلی و فیچر آنها را می‌بینند، نه گفت‌وگوها و گزارش‌های خواندنی و بعضا تکان‌دهنده روزنامه‌نگاران را می‌خوانند و نه سرمقاله‌ها و یادداشت‌های نویسندگان و ستون‌نویسان مطبوعاتی را. آنها با اینکه از انواع ممیزی و نگاه‌های «تهدید» و «تحدید»کننده مطبوعات خیر دارند، چیزی از این موضوع به زبان نمی‌آورند تا نکند معادلاتشان در متهم‌کردن یکجانبه روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران بر هم بخورد و مخاطبانشان نگاه همدلانه و همراه با درکی با روزنامه‌ها پیدا کنند. چیزی هم که در احوت است، همراهی بدون هزینه عده‌ای همیشه در صحنه با این مثلا منتقدان در فحش‌دادن و انکار روزنامه‌ها و نقش و کارکردشان در فضای امروز جامعه است. جملاتی مثل اینکه «روزنامه‌ها که چیزی ندارند»، «دوره روزنامه‌ها گذشته» و شبیه آن، از جمله کلیشه‌های رایج این گروه از مخاطبان است.

آینده روزنامه‌نگاری به‌ویژه در نوع مکتوب آن، با وجود منتقدانی چنین، میهم، تیره و ناامیدکننده است؛ تنها در صورتی می‌توان آینده‌ای به نسبت روشن را برای روزنامه‌ها متصور بود که روزنامه‌نگاران و مدیران مطبوعات، با بهره‌گیری از نقد منتقدان حرفه‌ای و اصیل، نقشه راه خود را با تغییر مسیر، به‌گونه‌ای ترسیم کنند که نه‌تنها در روزگار جولان فضای مجازی از سپهر رسانه‌ای ایران حذب نشوند که بتوانند جایگاهی جدید و تثبیت‌شده را هم برای خود دست‌وپا کنند.

طب و جامعه

جنگ واکسن کرونا جدال غنی و فقیر



رضا سعیدی‌فیروزآبادی **جراح پیوند**

همه‌گیری کرونا با خسارت‌های جانی و مالی فراوان همراه بوده است. رعایت بهداشت فردی و اجتماعی و فاصله‌گذاری اجتماعی تا حدی از انتشار بیماری جلوگیری کرده ولی این تدابیر نیز با خسارت‌های مالی و روانی بسیاری توام بوده است. بسیاری از مشاغل با تعطیلی و ورشکستگی مواجه شده‌اند. تمامی کشورها، به‌خصوص ممالک درحال‌توسعه یا فقیر بسر اثر این همه‌گیری با رکود اقتصادی مواجه شده‌اند. مطالعات علمی نشان داده است که واکسن می‌تواند تا حد زیادی از شیوع و انتشار بیماری جلوگیری کند یا جلوی موارد شدید بیماری و مرگومیر را بگیرد. بنابراین بسیاری از کشورها جهت مہار این همه‌گیری و خسارت‌های ناشی از آن، تزریق واکسن را در اولویت خود قرار داده‌اند. این مسئله به جدالی بین کشورها جهت تهیه واکسن تبدیل شده است. آمارها نشان می‌دهد که کشورهای غنی بیش از سه برابر جمعیت خود واکسن سفارش داده‌اند. شدت تقاضا به حدی بالاست که شرکت‌های واکسن‌سازی در انجام تعهدات خود با مشکلاتی مواجه شده‌اند؛ به‌طوری‌که برای مثال برخی

از کشورهای اروپایی زبان به انتقاد از این شرکت‌ها گشوده‌اند و حتی آنها را تهدید می‌کنند. جنگ واکسن تا حدی بالا گرفته است که دبیرکل سازمان بهداشت جهانی زبان به انتقاد گشوده و از عدم تخصیص کافی واکسن به کشورهای فقیر ابراز نگرانی کرده است. شواهد نشان می‌دهد که کشورهای جهان برای تهیه واکسن مورد نیاز جمعیت خود و خروج از

جنگ واکسن کرونا جدال غنی و فقیر

این همه‌گیری و عوارض آن وارد جنگ واکسن شده‌اند. جهان در بی‌عدالتی و نابرابری عظیمی به سر می‌برد و همه‌گیری کرونا نیز بر شدت فاصله بین کشورهای غنی و فقیر خواهد افزود. به نظر می‌رسد که جدال برای تهیه واکسن، شدت نابرابری بین کشورها را تشدید خواهد کرد. هرچند سازمان بهداشت جهانی در تلاش است با برنامه‌ای جهانی دسترسی کشورهای فقیر را نیز به این واکسن فراهم آورد ولی قدرت چانه‌زنی کشورهای غنی، کفه ترازو را به نفع این کشورها منحرف خواهد کرد، به‌ویژه که بسیاری از کشورهای واکسن‌ساز سودآوری را در اولویت اول خود قرار داده‌اند. کشور ما هم از خسارت‌های جانی و مالی این بلا در امان نبوده است؛ بنابراین تهیه واکسن و ارائه جمعی آن باید از اولویت‌های ملی قرار گیرد. تهیه واکسن، چه داخلی و خارجی، باید به دور از مسائل سیاسی و جناحی با کوشش فراوان دنبال شود. اقدام برای تولید واکسن داخلی و واردات واکسن خارجی امر مبارکی است که در دفع این بلای خانمان‌سوز از سرزمین ما مؤثر خواهد بود. خوشبختانه کشور ما در خرید واکسن روسی که اخیرا در مطالعات بالینی کارایی مناسبی داشته است، قدم‌های خوبی برداشته است. امید است که با تهیه واکسن‌های کارآمد خارجی و سپس تولید واکسن داخلی، سرزمین و هم‌میهن‌مان از این بلای جهانی رهایی یابند.



واکسن

«دولت» به مثابه مادر



بوذرجمهر پرخیده

نام مادر من «دولت» بود.

در صفحه آخر روزنامه «شرق» هفتم بهمن، نوشته‌ای از همکارم کامران فریدونی چاپ شده بود با عنوان «فراتر از رعیت». احساس کردم در آن نوشته، جای «دولت» به مثابه یک «مادر» خالی بود.

سال نخست دانشجویی‌ام، مادر را که هنوز جوان بود، از دست دادم و یتیم شدم. پیش‌ترها فکر می‌کردم تنها زرتشتیان قدیم نام دختران‌شان را «دولت» می‌گذازند. چند سال پیش برای کاری اداری، فتوکپی شناسنامه یکی از دوستان کرد را که اهل کرمانشاه است، گرفتم. دیدم نام مادر او هم «دولت» است. شگفت‌زده شدم. به او زنگ زدم و گفتم نام مادر من هم «دولت» است و فکر نمی‌کردم کردها هم نام «دولت» را روی دختران‌شان بگذارند. گفت در کردستان و کرمانشاه نام «دولت» برای نامیدن زنان و دختران رواج داشته و دارد.

در فرهنگ ایران، هنگامی که دختری به دنیا می‌آید، می‌گویند خانواده دارایی پیدا کرده و دولت‌مند شده است.

دولت، مادر و دارایی و به زبان دیگر داشتن مادر است که خود دارایی بزرگی است.

در اینجا به مفهوم مدرن دولت کاری ندارم گرچه آن خود نیز سوای این بحث نیست. اگر بشود تاریخ را از زاویه دید مردم نگاه کرد، می‌بینیم که از هزاران سال پیش تاکنون، مردم ایران – حتی در فرهنگ عامه خود – دولت را به معنای دارایی معنوی، مادرداشتن و اعتماد و اطمینان به دانستن پشتیبان می‌دانستند. تا جایی که در دورافتاده‌ترین روستاهای ایران نام دخترشان را دولت می‌گذاشتند. فرقی نمی‌کند، مردم در هر دوره و زمانه‌ای به این‌سان نیازمند بودند. در دوره ارباب و رعیتی هم می‌نهادند، در روزگاری که این‌نقش فراموش می‌شد، مردم احساس ناامنی می‌کردند، دروست مانند بچه‌ای که یک شب مادرش در کنارش نباشد. من، در این سن هنوز هم با اینکه مادر دولتم را نزدیک به ۵۰ سال است از دست داده‌ام، احساس تهایی می‌کنم.

در کودکی، هنگامی که از پسربچه همسایه به مدرسه می‌رفتم، مادر مرا در آغوش می‌گرفت و می‌بوسید. در آن روزگار که این‌نقش فراموش می‌شد، مردم احساس ناامنی می‌کردند، دروست مانند بچه‌ای که یک شب مادرش در کنارش نباشد. من، در این سن هنوز هم با اینکه مادر دولتم را نزدیک به ۵۰ سال است از دست داده‌ام، احساس تهایی می‌کنم.
از پسربچه همسایه به مدرسه می‌رفتم، مادر مرا در آغوش می‌گرفت و می‌بوسید. در آن روزگار که این‌نقش فراموش می‌شد، مردم احساس ناامنی می‌کردند، دروست مانند بچه‌ای که یک شب مادرش در کنارش نباشد. من، در این سن هنوز هم با اینکه مادر دولتم را نزدیک به ۵۰ سال است از دست داده‌ام، احساس تهایی می‌کنم.

حقیان

زرمه‌های بانگري در قانون اساسی



ابراهیم ایوبی **وکيل دادگستري**

● قانون اساسی در رأس هرم نظام حقوقی قرار دارد و مشروعیت‌بخش دیگر نهادهاست. چندی است که در محافل رسمی و غیررسمی سخن از اصلاح قانون اساسی به میان آمده. فتح باب این موضوع سخنان رهبر انقلاب در دیدار با دانشجویان کرمانشاه در ۲۴ مهر ۱۳۹۰ بود. ایشان در سخنانی بیان کردند: «فرض بفرمایید ما یک روزی در قانون اساسی نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور داشتیم، با یک شکل خاصی. بعد تجربه به ما نشان داد که این درست نیست. امام دستور دادند گروهی از خبرگان ملت، از دانشگاهیان، از روحانیون، از مجلس شورای اسلامی، از برجستگان و نجیبان بنشینند و آن‌جان که بر طبق نیاز است، آن را تغییر بدهند. همین کار را هم کردند. یا در زمینه قضا همین‌جور. در آینده هم اینها قابل تغییر است. امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم با رأی مستقیم خودشان رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند؛ تا الان هم شیوه بسیار خوب و تجربه‌شده‌ای است. اگر یک روزی در آینده‌های دور یا نزدیک – که احتمالا در آینده‌های نزدیک چنین چیزی پیش نمی‌آید – احساس بشود که به جای نظام ریاستی مثلا نظام پارلمانی مطلوب است – مثل اینکه در بعضی از کشورهای دنیا معمول است – هیچ اشکالی ندارد.»

قوانین اساسی کشورها را به انعطاف‌پذیر و انعطاف‌ناپذیر تقسیم می‌کنند. قوانین اساسی انعطاف‌پذیر با تشریفات ساده و به طول معمول از طریق مجلس تغییر می‌یابد؛ اما قوانین اساسی انعطاف‌ناپذیر نیاز به تشریفات خاصی دارد و تجدید نظر به دشواری ممکن است. در قانون اساسی مشروطیت موضوع بانگري پیش‌بینی نشده بود؛ اما در اصلی که در سال ۱۳۲۸ به متمم قانون اساسی مشروطیت الحاق شد، تجدید نظر پذیرفته شد. آن زمان بانگري در چهار مرحله قابل انجام بود: مجلس شورای ملی و سنا با پیشنهاد دولت یا مستقلا لزوم تجدید نظر را با اکثریت دو ثلث همه اعضای خود تصویب کنند و پادشاه نیز موافقت کند. دوم، فرمان تاسیس مجلس مؤسسان از سوی پادشاه که اعضای این مجلس برابر با تعداد اعضای مجلس شورای ملی و سنا خواهد بود، صادر و اعضا به موجب قانون مصوب این دو مجلس انتخاب می‌شوند. سوم، مجلس مؤسسان تشکیل و در همان اصول تعیین‌شده با اکثریت دو ثلث تجدید نظر می‌کند و چهارم، موافقت نهایی پادشاه. در واقع به جای شرکت در همه‌پرسی، مردم در انتخاب اعضای مجلس مؤسسان نقش داشتند. همچنین پیش‌بینی شده بود که اصول مربوط به دین اسلام، مذهب رسمی کشور و سلطنت مشروطه ایران، تا بد تغییرناپذیر است.

در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ موضوع بانگري اساسا پیش‌بینی نشد. بااین‌حال به دلیل اقتضای شرایط با دستور مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۱۴ بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، اصلاح قانون اساسی در دستور کار قرار گرفت. از اصول اضافه‌شده، اصل ۱۱۷ با عنوان «بانگري در قانون اساسی» بود که انجام بانگري را در چهار مرحله پیش‌بینی کرده است: نخست، پیشنهاد اصلاح و تمیم قانون اساسی از سوی مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام. دوم، بررسی موضوع از سوی شورای بانگري که اعضای آن در حدود ۸۰ نفر و مرکب از اعضای شورای نگهبان، رؤسای قوای سه‌گانه، اعضای ثابت و موقت مجمع تشخیص مصلحت نظام، پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۰ نفر به انتخاب مقام رهبری، سه نفر از هیئت وزیران، سه نفر از قوه قضائیه، ۱۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ۱۰ نفر از دانشگاهیان. سوم، مصوبات شورای بانگري باید به تأیید و امضای مقام رهبری برسد و چهارم، مراجعه به آرای عمومی و تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی. در ارتباط با این موضوع، محتوای اصول مربوط به اسلامی‌بودن نظام و ابتنای همه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌بودن حکومت و ولایت امر و امامت و نیز اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی تعیین‌ناپذیر است.»

هرچند قانون اساسی قابل اصلاح است؛ ولی تغییر نسنجیده آن خسارات جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد. از سوی دیگر دشواری فرایند بانگري، حاکمیت را به سمت انجام تغییرات از طریق تصویب قوانینی مغایر با قانون اساسی – که در نهایت به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رسد- یا اتخاذ سیاست‌های کلان بر مبنای دیدگاه‌های جدید سوق داده که نمونه آن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است که اقتصاد خصوصی را جایگزین اقتصاد دولتی کرد. شرط اول برای بانگري در ساختار کلان سیاسی و حقوقی کشور، همدمی میان جریان‌های سیاسی عمده و موازنه بین نیروی مردم و قدرت است.